

اگرچه

فصلنامه علمی، فرهنگی انجمن علمی ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد | شماره نهم، بهار ۱۴۰۱



آنچه در این شماره خواهید خواند:

از تاریخ ادیان چه میتوان آموخت؟^(۱) معرفی فیلم کد داوینچی روزه در ادیان اسلام و یهودیت

تاملی بر نمط العارفین اشارات و تنبیهات شیخ الرئیس ابن سینا

شناسنامه

فصلنامه علمی، فرهنگی انجمن علمی ادیان و عرفان تطبیقی
آوای فطرت

شماره نهم | بهار ۱۴۰۱ | دانشگاه فردوسی مشهد

شماره مجوز:
۹۸۳۰

صاحب امتیاز:
انجمن علمی ادیان و عرفان تطبیقی

مدیر مسئول:
مهدی صفاری

سردبیر:
الهه آرامی

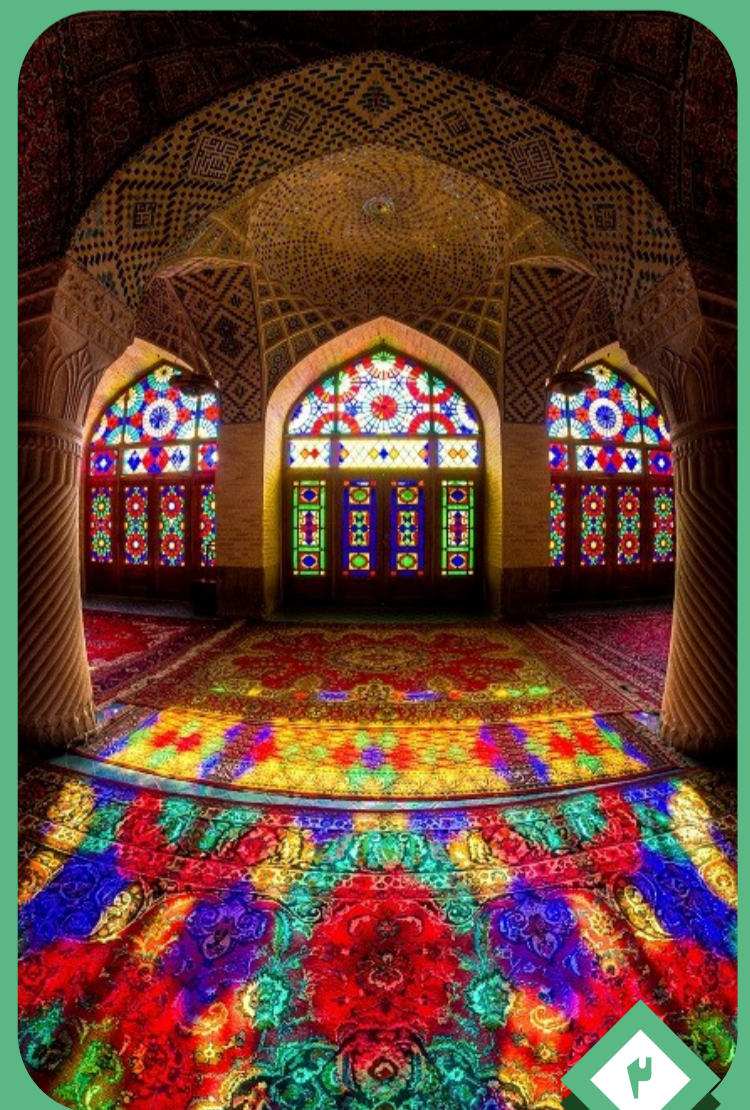
ویراستار:
دکتر سیده فاطمه زارع حسینی

طراح و صفحه آرا:
فائزه ناصری فرد

اعضای هیئت تحریریه:
الهه آرامی، دکتر منصور معتمدی، مجید نجفی،
سیده فاطمه حسینی، سهراب سبحانی، سجاد واعظ،
علی هادی زاده نامقی، فاطمه شعبان

فهرست مطالب

- ۳ سخن سردبیر
- ۴ از تاریخ ادیان چه میتوان آموخت؟^(۱)
- ۶ معرفی فیلم کد داوینچی
- ۷ روزه در ادیان اسلام و یهودیت
- ۱۱ تاملی بر نمط العارفین اشارات و تنبیهات شیخ الرئیس ابن سینا
- ۱۳ زئوس، خداوندگار المپ
- ۱۵ ترجمه بخشی از مدخل «مطالعه دین»، دانشنامه بریتانیکا
- ۱۶ معرفی کتاب دنیای سوفی



سخن سردبیر



الهه آرامی
کارشناسی ادیان و عرفان تطبیقی، ورودی ۹۹

ادیان و عرفان تصویری سهل و ممتنع از مهمترین مجموعه عقاید بشری است که برای تحقق و آگاهی از محتوای آن باید وارد آن شد. همه ما رهجویان علم و دانش ادیان و عرفان، در پی کسب آگاهی و رمزگشایی ازین عقاید هستیم که در قالبها و شکل‌های مختلف، از نماد تا مناسک و آداب و رسوم شکل گرفته است. «آوای فطرت» نیز در هر شماره خود در جستجوی کشف این راز و رمزها و آداب و رسوم‌های دینی و فرهنگی و اساطیری است که به همت گروهی از طالبان علم و علاقه‌مندان به دانش ادیان و عرفان، به پیش می‌رود.

اساسا رسالت فصلنامه آوای فطرت در ذیل همین مفاهیم گنجانده شده است و به همین منظور است که در هر شماره با دنیایی از هنر، رسانه، دین، عرفان، اسطوره و... آشنا می‌شویم.

در شماره جدید نیز به سراغ نمونه‌هایی ازین قبیل رفته‌ایم. از جمله ماجرای خیالی سوفی با پیش زمینه افسانه‌ای، دینی که به دنیای فلسفه سفر می‌کند. یا ماجرای نبردهای بزرگ زئوس با غول‌ها و تایتان‌ها در اساطیر یونان. از سوی دیگر سری به نمط العارفین شیخ الرئیس زده‌ایم و از آنجا گذری به سوی تاریخ ادیان. سپس تورقی در دایرة المعارف بریتانیکا داشته‌ایم و بعد از آن هم سری به آیین یهود و اسلام می‌زنیم تا از مناسک مشترکشان از جمله روزه بیشتر آگاه شویم. پس در این شماره شما را دعوت می‌کنیم که از فلسفه تا اسطوره تا دین را بخوانید و ما را از نظراتتان بهره‌مند کنید.

سلسله نوشتارهایی درباره تاریخ ایران

از تاریخ ادیان چه می توان آموخت؟^(۱)



دکتر منصور متمدی
عضو هیئت علمی گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

دوزانو در برابر پیر فرزانه تاریخ ادیان

مسیحی چه بسا ناچار می شد که جان خودش را هم در راه باورهایش نثار کند. همین شرایط دشوار و توانفرسا موجب آن شد که عده ای از مسیحیان دست از دین خود بردارند و هم رنگ جماعت قدرتمند امپراتوری روم شوند. هنگامی که کنستانتین به قدرت رسید و مسیحیت رسمیت یافت و باد موافق حکومت بر پرچم این دین وزیدن گرفت و اظهار ایمان مسیحی نه فقط خطری متوجه افراد نمی کرد بلکه آنان را بر سر سفره دین دولتی جدید می نشانید و مایه و پایه تقرب و ترقی می گردید، کسانی که پیشتر از مسیحیت رویگردان شده بودند، مجدداً به مسیحیت گرویدند. در بین این مرتدان دیروز و نوگرویدگان امروز کسانی بودند که مناصب کلیسایی مثل کشیشی یا اسقفی را اشغال کردند و اینان مسیحیت را تعلیم و متقاضیان را تعمید می دادند و کلاً مراسم کلیسایی را برگزار می کردند. این اوضاع مسیحیت در سرزمین های تحت حاکمیت امپراتوری روم بود.

سخن بر سر فایده مندی یکی از حوزه های مطالعاتی است که مخصوصاً در این ۲۰۰ سال اخیر بیشتر مورد توجه بوده و هم آهنگ با تحولات علمی و معرفتی گوناگون بشری تحول یافته و رشد کرده است: حوزه تاریخ ادیان.

اما فایده مندی که در اینجا مورد نظر است از مقوله فواید معرفتی است، نه عواید مادی و معیشتی. هرچند البته باید بی درنگ بگویم که اگر نتایج حاصل از این مطالعات مورد عنایت دولت و ملت قرار گیرد، بی گمان تبعات مثبت اجتماعی و طبعاً ثمرات مثبت اقتصادی نیز در پی خواهد داشت.

در این مجال، سر آن ندارم که وارد بحث های نظری یا تئوریک این حوزه بشوم. این سلسله نوشتارها قرار است در نشریه ای دانشجویی انتشار یابد و از این رو، بهتر می بینم به جای مباحث انتزاعی، نمونه هایی ملموس و محسوس از آنچه در چینه تاریخ تحولات ادیان یافت می شود، مطرح کنم. هدف آن است که به فراخور شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی خودمان از آن نمونه ها درس بگیریم و گذشته را چراغ راه حال و آینده بسازیم. باید دید پیر فرزانه تاریخ ادیان چه داستان هایی از تجارب رودرویی های برآمده از انگیزه های دینی و مذهبی برای ما دارد. در نظر دارم که برای چند شماره نخست به تأثیرات منفی اعمال خشونت و تبعیض در تاریخ ادیان بپردازم. در واقع چند نمونه یا بهتر بگویم چند داستان را تعریف می کنم که نشان می دهند اجبار و به کارگیری خشونت در عقاید دینی معمولاً نتایجی در بردارد که نه تنها خواسته خشونت گران را برآورده نمی کند بلکه عموماً عکس این خواسته را در پی دارد. البته از ستم و بیدادی که در حق افراد مورد خشونت می رود هم نباید غافل شد که آن در واقع از اهمیت بیشتری برخوردار است. به هر حال، حاصل آنکه در بازار خشونت، همه اطراف و افراد بازنده اند و اگر هم سودی و ثمری در میان باشد عاید سوداگران فاجعه می شود که همواره از این نمدها کلاهها برای خود و اطرافیان شان می بزنند و می دوزند.

نمونه نخست: داستان دوناتیست ها و کلیسای قدرتمند کاتولیک

می دانیم که مسیحیت از بدو پیدایش تا زمان حکمرانی کنستانتین^۱ (زاده ح. ۲۷۲م - درگذشته ۳۳۷م؛ دوره حکمرانی: از ۳۰۶ تا ۳۳۷) دینی غیررسمی و بلکه دینی بود که پیروانش تحت تعقیب و آزار و حبس و شکنجه بودند. در این دوران افرادی که حاضر می شدند ایمان مسیحی خود را اظهار کنند، می بایست هزینه ای سنگین بپردازند و مومن



اسفقی برایشان ماند و نه ساختمان کلیسایی. جمع زیادی از ایشان «تسلیم» شدند و از این جهت کاتولیک‌ها «پیروز» شدند. اما در درازمدت این پیروزی برای کلیسای کاتولیک بسیار گران تمام شد و آن زمانی بود که اسلام ظهور و به آفریقا و از آنجا به اسپانیا یا اندلس راه پیدا کرد.

بگذارید برای پی‌بردن به هزینه‌گزافی که کلیسای کاتولیک و بهتر است بگوییم دین مسیحیت پرداخت، قلم را به دست مورخ پراوازه کلیسای کاتولیک، هانس کونگ^۶ (۱۹۲۸-۲۰۲۱ م.) بدهیم:

امروزه مورخان معتقدند که ایمان اجباری دوناتیست‌ها زوال کلیسای آفریقا را که زمانی آن‌چنان پرشکوه بود، موجب شد؛ زیرا دوناتیست‌های سابق، که فرزندان‌شان هنوز برای پاپ گریگوری بزرگ^۸ مایه‌دردسر بودند، در پایان قرن ششم هیچ علاقه‌ای به دفاع از آیین کاتولیک نداشتند. بنابراین کلیساهای آفریقایی، حتی کلیساهای کاتاز و هیپو در قرن هفتم م. بدون هیچ مقاومتی مسلمانان شدند و بدون اینکه آثاری از خود در تاریخ بر جای بگذارند، محو و نابود شدند.^۹

اسلام آوردن شمال آفریقا خطر بسیار بزرگی را برای مسیحیت رقم زد و آن شکست‌های پی‌درپی پیروان این دین در آن مناطق و سپس شکستش در اسپانیا و اندلس بود. اینجا پرسش اساسی این است که اگر برخورد کلیسای کاتولیک با مسیحیان شمال آفریقا برخوردی شایسته و به‌دور از خشونت بود آیا این دین در قرن‌های بعد این چنین ضعیف می‌شد؟ البته ما مسلمانان طبعاً از گسترش دامنه نفوذ دین خود شادمان می‌شویم ولی نکته مهم درس عبرتی است که می‌توانیم و می‌باید از قصه این رویدادها در مطالعات تاریخ ادیان بگیریم: برای پیشبرد اهداف دینی توسل به اجبار و زور نتیجه دلخواه عاملان را در پی ندارد.

پاورقی

- ۱ . Constantine
- ۲ . Hippo
- ۳ . Carthage
- ۴ . Donatus
- ۵ . Donatists
- ۶ . St Augustine
- ۷ . Hans Kung

۸ . پاپ گریگوری بزرگ Pope Gregory the Great دوره پاپی: ۵۹۰ تا ۶۰۴ م.

۹ . کونگ، هانس، متفکران بزرگ مسیحی، ترجمه حسن قنبری، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱.

اما در این میان، جمع زیادی از مسیحیان شمال آفریقا به‌ویژه در هیپو^۲ (عنابه در الجزایر کنونی) و کارتاژ^۳ (قرطاج در تونس کنونی) با این رویکرد مخالفت ورزیدند. اینان می‌گفتند که برگزاری آیین‌های مقدس به دست این دسته از دینیاران که در برابر خطرات ایستادگی نکرده‌اند و بر سر دین و ایمان خویش معامله کرده‌اند و به جای شهادت، راه زندگی دنیوی را برگزیده‌اند فاقد اعتبار معنوی و روحانی و از این رو، باطل است. سردمدار این معترضان شخصی بود به نام دوناتوس^۴ (د. ۳۵۵ م.) و به همین سبب آنان به نام دوناتیست‌ها^۵ شهرت یافتند.

این تقابل میان دوناتیست‌ها و کلیسای کاتولیک یکی از بحران‌های اصلی قرن‌های چهارم و پنجم در مسیحیت بود و تا حدود یک قرن یعنی اوایل قرن پنجم موجب درگیری‌های فراوان و جان باختن جمع زیادی از دو طرف شد. در نهایت در سال ۴۱۱ م. به فرمان امپراتوری روم جلسه‌ای برای بحث و مناظره میان دو طرف برگزار شد و ۲۸۶ دینیار کاتولیک و ۲۷۹ دینیار دوناتیست در این جلسه شرکت جستند. در این مناظره با استدلالاتی که آگوستین (د. ۴۳۰ م.) اقامه کرد، دوناتیست‌ها محکوم شدند. امپراتوری روم با داشتن این پشتوانه نظری و الهیاتی راه را برای اعمال خشونت، بیش از پیش گشوده دید و دوناتیست‌ها را مجبور به تغییر مذهب و گرویدن به مذهب کاتولیک کرد. میزان این خشونت به گونه‌ای بود که حتی صدای خود آگوستین هم در آمد و به آن اعتراض کرد. ولی متأسفانه در نهایت او هم با خشونت‌ورزان هم‌آوا گردید و حتی مبانی نظری تغییر دین اجباری و اعمال زور و خشونت را نیز برای ارباب قدرت فراهم آورد.

درواقع، وظیفه توجیه این جنایات را آگوستین^۶ بر عهده گرفت. بی‌گمان آنچه رخ داد شکست دوناتیست‌ها بود. آنان شکست خوردند و دیگر نه



معرفی فیلم کُد داوینچی



مجید نجفی

کارشناسی ارشد ادیان و عرفان تطبیقی، ورودی ۹۸



سینمای هالیوود در سال ۲۰۰۶ فیلمی ساخت که برگرفته از کتاب «کُد داوینچی» اثر دن براون بود. این فیلم به کارگردانی «ران هاوارد» و بازی ستارگان هالیوودی همچون تام هنکس، اودری توتو، سر ایان مک‌کلین، پل بتانی و آلفرد مولینا ساخته شد که اثری معماگونه در سینمای هالیوود است و با قتل ژاک سونیر، مدیر موزه لوور پاریس آغاز می‌شود. رابرت لانگدن (تام هنکس)، استاد نمادشناسی دانشگاه هاروارد، که به دعوت ژاک سونیر به پاریس آمده، توسط پلیس احضار می‌شود تا به آن‌ها کمک کند تا نمادهای مصور روی جنازه وی را تفسیر کند. اما در همین هنگام او با نوه ژاک سونیر، سوفی نوو (اودری توتو)، آشنا می‌شود و از طریق او از دست پلیس فرار می‌کند؛ زیرا کمسیر فوشه (ژان رنو) که متعلق به یک فرقه کاتولیک مسیحی است گمان می‌کند که لانگدن قاتل است. لانگدن به همراه سوفیا سراغ پرده‌برداری از رازهایی می‌روند که «ژاک سونیر» برای آن‌ها ایجاد کرده بود. در این مسیر آن‌ها متوجه ماجرای می‌شوند که افشای آن منجر به از بین رفتن بنیان کلیسای کاتولیک می‌شود. آن راز این است که عیسی مسیح (ع) با مریم مجدلیه ازدواج کرده بود و نشانه آن هم نوع پوشش و نشستن در کنار هم، در تابلوی «شام آخر» داوینچی است. حالا بعد از ازدواج مریم مجدلیه و عیسی مسیح (ع) در لحظه مصلوب شدن مسیح، مریم مجدلیه از ایشان فرزندی را باردار بوده که به مرور زمان نسل حضرت عیسی (ع) را ادامه داده است و در انتهای فیلم، آخرین وارث حضرت عیسی (ع) هم مشخص می‌شود. فیلم، نمادین و دارای تفسیرهای شبه‌تاریخی فراوانی است تا بتواند فرضیه «وجود وارث» برای حضرت عیسی (ع) را روشن کند. طرفداران مریم مجدلیه در تکاپوی آن‌اند تا ثابت کنند طرفداران پطروس، حواری دیگر حضرت عیسی (ع)، از راه عیسی (ع) منحرف شدند و از سوی دیگر، گروهی از اسقفان کلیسای کاتولیک در صدد آن هستند که نشانه‌های باقی مانده از وجود وارث (همان جام مقدس) را از بین ببرند.

شاید فیلم فراز و فرودهای چندانی نداشته باشد یا حتی یکنواخت بنظر برسد، اما برای کسانی که به دنبال حل معماها و ابهامات هستند، فیلم درخور تأملی است و ارزش تماشا دارد. خصوصاً که به برخی از موضوعات مهم مسیحیت از قبیل ماجراهای مریم مجدلیه، کلیسای کاتولیک، فرض وجود وارث برای حضرت عیسی (ع) و... اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، فیلم هیجان فیلم‌های اکشن، زامبی یا اساطیری را ندارد، ولی آن قدر سرشار از معماها و علامات نمادین است که مخاطب خاص خودش را تا آخرین لحظات پای فیلم نگه می‌دارد. البته صحنه‌های عجیب و قابل تأمل «بتانی»، کشیش

متعصب کاتولیک که برای پیدا کردن جام مقدس هر اقدام خشونت‌آمیزی را انجام می‌دهد، به هیجان فیلم می‌افزاید؛ هرچند که او (یا سیلاس داخل فیلم) به اندازه سیلاس کتاب «کُد داوینچی» هیبت‌ناک جلوه نمی‌کند.



روزه در ادیان اسلام و یهودیت



سیده فاطمه حسینی
کارشناسی ارشد ادیان و عرفان تطبیقی ورودی ۹۷

مقدمه

روزه یکی از زیباترین و ثمربخش ترین عبادات در ادیان است که از طرفی صبر و تحمل انسان به خاطر رضایت پروردگار و عشق به او را یادآور می شود و از طرف دیگر باعث سلامتی جسم و روح شده و فرد را در مسیر تکامل و پرهیزگاری قرار می دهد. روزه در همه ادیان الهی و حتی ادیان غیر الهی وجود دارد چراکه اثرات سودبخش آن همواره انسان را در مسیر تکامل و رستگاری یاری کرده است. فلسفه وجودی این عبادت ناشی از مبدا ایمان و فرمان الهی می باشد که نیروی مقاومت انسان را افزایش می دهد تا انسان را به مقام تقوا و تعالی برساند. در این نوشتار به طور مختصر به بررسی روزه در دو دین اسلام و یهودیت می پردازیم. روزه به معنی پرهیز از خوردن و آشامیدن و لذات جنسی در مدت زمان مشخصی است که در دین اسلام این امساک از اذان صبح تا اذان مغرب یعنی مدت زمان یک روز است و در آیین یهودیت از غروب آفتاب است تا غروب آفتاب روز بعد که به مدت یک شبانه روز می باشد.

روزه در دین اسلام

«صوم» و «صیام» (روزه)^۱ در لغت یعنی امساک کردن و خودداری ورزیدن و در اصطلاح آن است که انسان به قصد اطاعت از فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا هنگام اذان مغرب از خوردن و آشامیدن و سایر چیزهایی که روزه را باطل می کند خودداری ورزد.^۲ روزه یکی از مهم ترین عبادات در اسلام به شمار می رود و بر تمام مسلمانان بالغ، عاقل، سالم و غیر مسافر در ماه مبارک رمضان واجب است. حقیقت روزه در پرهیز از گناه و ترک هر کاری است که نفس انسان به آن علاقه دارد و او را از خدا دور می کند.

آثار و فواید روزه در اسلام

از مهم ترین آثار روزه این است که عامل موثری در ایجاد و تقویت روحیه تقوی و پرهیزگاری فرد دارد. قرآن مجید این اثر بزرگ روزه را با جمله «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۳ (ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما {بودند} مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید) یادآور می شود و این عبادت را عامل مهم تقوا می شمارد. حدیث معروف پیامبر عزیز اسلام (ص) «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»^۴ (روزه سپری است در برابر آتش دوزخ) نیز اشاره به همین موضوع دارد.

از دیگر فواید روزه برای انسان، سلامت و تندرستی جسم، پرورش اراده، تزکیه و وارستگی، تصفیه اخلاق از عادات مذموم و صفات ناپسند، همدردی با بینویان، اصلاح جامعه... می باشد.^۵ در واقع روزه مصداق



بارز صبر و شکیبایی در مقابل خواهش های نفسانی است.

فلسفه روزه در اسلام

روزه آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی برای انسان دارد اما از همه مهم تر بعد اخلاقی و فلسفه تربیتی آن است. وقتی انسان روزه می‌گیرد، به خاطر رضایت پروردگارش با وجود گرسنگی و تشنگی از خوردن و آشامیدن و همچنین لذات جنسی چشم می‌پوشاند و عملاً ثابت می‌کند که او همچون حیوانات در بند آب و غذا نیست و می‌تواند زمام نفس سرکش را به دست گیرد و بر هوس ها و خواسته های نفسانی غلبه کند. از دیگر موارد می‌توان اشاره کرد به:

۱. مهارکردن غریزه و تعدیل آن

۲. خالص نمودن انسان از انواع رذایل

۳. شناخت انگیزه گرسنگی و تشنگی که عبارت اند از:

(الف) ذلت عبد، (ب) تواضع، (ج) اجر و پاداش، (د) عبودیت.

(الف) ذلت عبد: ذلت بنده در برابر خداوند به معنی پیدایش ارزش های انسانی، اجتناب از انواع صفات رذیله و پست و برقراری نظام طبقاتی در عرصه تقوا و معنویت که همه اینها در یک نقطه مرکزی نهفته و آن به نام تَعَبُّد، یعنی بندگی کردن در برابر عزیزی که ذلت در او نفوذ نمی‌کند. **(ب) تواضع:** یکی دیگر از فضیلت های گرسنگی و تشنگی، تواضع و از بین رفتن سرمستی و ناسپاسی که منشاء سرکشی است. وقتی نفس طغیانگر انسان خوار شد، در مقابل پروردگارش خاضع شده و از سرکشی دست بر می‌دارد.

(ج) اجر و پاداش: از آنجایی که بیشتر گناهان کبیره از شهوت سخن گفتن و شهوت جنسی انسان به وجود می‌آید، لذا کم کردن این دو شهوت باعث در امان ماندن از خطرهای می‌شود که اجر و ثواب زیادی هم دارد و روزه در این راه به انسان بسیار کمک می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ای جوانان، هر کدام از شما که قدرت ازدواج دارد، پس بر آن اقدام کند و هرکسی که قدرت آن را ندارد به روزه روی آورد؛ چراکه روزه برای او کنترل کننده است».^۶

(د) عبودیت: آمادگی برای انجام تمام عبادت ها از چند جهت است که کمترین آن ها کم احتیاجی به تخلی و به دست آوردن غذا و کمتر بیمارشدن است زیرا معده، خانه هر بیماری و پرهیز، سر هر دارویی است.^۷

روزه در اسلام بر چهار قسم است:

۱. **روزه واجب:** روزه ای که بر همه مسلمانان واجد شرایط روزه داری واجب است و این روزه ها عبارت است از:

روزه ماه مبارک رمضان، روزه قضاء، روزه كفاره، روزه قضای پدر و مادر، روزه روز سوم از ایام اعتکاف، روزه نذر و سوگند، روزه عوض خونی که باید در حج تمتع ریخته شود.^۸

۲. **روزه مستحب:** روزه ای که واجب نیست اما گرفتن آن اجر و ثواب زیادی دارد و عبارت است از:

اول: از همه موکدتر روزه سه روز در ماه است. بهترین کیفیت آن نیز این است که اولین پنج شنبه و آخرین پنج شنبه و اولین چهارشنبه در دهه دوم هر ماه روزه گرفته شود.

دوم: روزه ایام البیض^۹ یا روزهای سیزدهم، چهاردهم، و پانزدهم هرماه.

سوم: روزه عید غدیرخم در روز هجدهم ذی الحجه.

چهارم: روزه ولادت رسول خدا(ص) در هفدهم ربیع الاول.

پنجم: روزه مبعث رسول خدا(ص) در بیست و هفتم رجب.

ششم: روز دحوالارض در بیست و پنجم ذی القعدة.

هفتم: روزه عرفه در نهم ذی الحجه

هشتم: روزه مباحله در بیست و چهارم ذی الحجه

نهم: روزه هر پنج شنبه و جمعه

دهم: روزه اول ذی الحجه تا روز نهم آن.

یازدهم: روزه ماه رجب و ماه شعبان؛ خواه همه یا بخشی از آن یا یک روز از این دو ماه.

دوازدهم: روزه عید نوروز

سیزدهم: روزه اول و سوم و هفتم ماه محرم

چهاردهم: روزه پانزدهم جمادی الاول^{۱۰}

۳. **روزه مکروه:** در چند مورد روزه گرفتن کراهت دارد همانند روزه روز عاشورا، روزه مستحبی فرزند بدون اذن و رضایت پدر و مادر، روزه زن بدون اذن و رضایت همسر، روزه مهمان بدون اذن و رضایت میزبان.

۴. **روزه حرام:** روزه ای که گرفتن اش ممنوع است مانند روزه عید فطر (اول ماه شوال)، عید قربان (دهم ماه ذی الحجه) و روزه سی ام ماه شعبان به نیت روزه ماه رمضان.^{۱۱}

آداب و شرایط روزه در اسلام

۱. بالغ بودن ۲. عاقل بودن ۳. مسافر نبودن

۴. در حالت حیض و نفساء و جنب نبودن

۵. ضرری نبودن روزه ۶. حرجی نبودن روزه^{۱۲}

روزه در دین یهودیت:

روزه در دین یهود به معنای خودداری از خوردن و آشامیدن در مدت زمان معینی است که در عبری به «تعنیت» معروف می‌باشد و به معنای «رنج دادن» است.^{۱۳}

در فرهنگ الهیات کتاب مقدس روزه این گونه تعریف شده است:

«روزه داری یعنی محروم کردن خود از هر نوع خوردن و آشامیدن و حتی از روابط جنسی برای یک یا چند روز از غروب آفتاب تا غروب روز بعد».^{۱۴}

روزه یا تعنیت به معنای «رنج دادن جان» است اما نباید آن را با ریاضت کشی اشتباه گرفت بلکه عملی روحانی و جسمانی است که انسان را در بیان فروتنی اش در حضور خدا یاری می‌دهد. روزه یکی از عبادات مهم یهودیان است که جهت پاکی دل و نشانه فروتنی روزه دار در مقابل خداوند می‌باشد.^{۱۵}

چنانچه در کتاب عزرا آمده است که:

«آنجا، نزد رود آهوا، به روزه اعلام کردم تا خویشان را نزد خدایمان متواضع کرده، از او برای خود و فرزندان و تمامی اموال خویش سفری امن بطلبیم».^{۱۶}

فلسفه روزه از نظر کتاب مقدس

روزه گرفتن در دین یهود از نظر کتاب مقدس فلسفه و علتی دارد که عبارت است از:

اول: موجب قبولی حاجات و دعاها

حضرت دانیال در کتاب دانیال، باب نهم، بندهای دوم تا چهارم می‌گوید:





است. یهودیان جهان در این روز از غروب آفتاب تا غروب آفتاب روز بعد به مدت بیست و پنج ساعت روزه گرفته و از انجام هر کاری دست کشیده و تمام وقت خویش را در کنیسه ها به عبادت می پردازند. در این روز مراسم توبه و انابه و طلب عدالت همراه با مراسم صیام به عمل می آید به امید اینکه خداوند گناهان آنها را ببخشد و آنان از بدی ها و گناهان بازگشت کنند.^۱

در سفر لایوان، فصل ۱۶، بندهای ۲۹ تا ۳۱ در مورد یوم کیپور این طور بیان شده است: « برای شما قانون ابدی باشد که در دهمین روز از ماه تیشری (هفتمین ماه عبری) جان های خود را رنج دهید (روزه بگیرید) ... زیرا در این روز برای تطهیر شما کفاره به جا آورده خواهد شد. آنگاه از همه گناهانتان در حضور خداوند طاهر خواهید شد.»

۲. روزه گدريا در سومین روز ماه تیشری

۳. روزه دهم ماه طبت (چهارمین ماه عبری)

۴. روزه هفدهم ماه تموز (دهمین ماه عبری)

هر سه این روزه ها به مناسبت وقایع مربوط به ویرانی معابد اول و دوم بیت المقدس گرفته می شود.

۵. روزه نهم آو (پنجمین ماه عبری): این روز «شوم ترین روز تاریخ یهود» شناخته می شود زیرا در این روز معبد اورشلیم دوبار در سال های ۵۸۶ پیش از میلاد و سال ۷۰ میلادی تخریب شد.

۶. روزه استر: روز پیش از پوریم روزه ای می گیرند معروف به تعنیت استر یا روزه استر که در همه جا در روز سیزدهم ماه ادار (دوازدهمین ماه عبری) به یادبود روزه ای انجام می گیرد که پیش از زمان ملاقات استر با پادشاه خشایارشا هخامنشی از سوی خود استر و دیگر یهودیان به مدت سه روز به جا آورده شده بود.

۷. روزه آدینه پسخ: این روزه بر پسران و مردان اول زاده خانواده واجب است و به یادبود ضربت خداوند به مصریان در زمان خروج بنی اسرائیل از مصر و مصونیت یهودیان از آن ضربت است.

روزه های مستحب در یهودیت عبارت اند از:

۱. در ایام خاصی از سال به ویژه در ماه الول (ششمین ماه عبری) در

« من، دانیال شمار سالهایی را که بنا بر کلام خداوند به ارمیای نبی می بایست در ویرانی اورشلیم به کمال رسد، یعنی هفتاد سال را از کتب دریافتم. پس روی خود را به سوی پروردگار متوجه ساختم و روزه گرفتم، پلاس پوشیدم و خاکستر بر سرم ریختم و در دعا اعتراف کرده و گفتم: ای خداوند، تو خدای بزرگ و مهیب هستی.»

دوم: جهت طلب یاری و کمک از خداوند

در کتاب عزرا آمده است:

« پس روزه گرفتیم و از خدا خواهش کردیم تا از ما محافظت کند و او نیز این کار را کرد.»^{۱۷}

سوم: بیانگر عزا و سوگواری

روزه در یهودیت در بسیاری از موارد نشانی از عزاداری است چنانچه در اول سموئیل درباره مرگ شائول این طور آمده است که:

« ساکنان یابیش جلعاد بعد از پایین آوردن جسد شائول و پسرانش از دیوار آنها را سوزاندند. سپس استخون های ایشان را گرفته، زیر درخت بلوط که در یابیش است، دفن کردند و هفت روز روزه گرفتند.»^{۱۸}

همچنین در کتاب دوم سموئیل گفته شده است:

« داوود و افرادش برای شائول و پسرش یوناتان و برای قوم خداوند و خاندان اسرائیل که به دم شمشیر از پا درآمده بودند، ماتم گرفتند و گریستند و تا شامگاه روزه داشتند.»^{۱۹}

چهارم: روزه نشانه توجه و بازگشت و توبه به سوی خداوند است چنانچه در کتاب یوئیل آمده است که:

« خداوند می فرماید: الان تا وقت باقی است با تمام دل خود، با روزه و گریه و ماتم به سوی من بازگشت نمایید.»^{۱۳}

در آیین یهود روزه بر دو نوع است:

روزه های واجب و روزه های مستحب.

روزه های واجب عبارت اند از:

۱. یوم کیپور^{۱۴} یا روز آمرزش و کفاره: مهم ترین روزه در نزد یهودیان روزه یوم کیپور است که بنا بر اعتقاد یهود، با هدف بخشش گناهان انجام می شود و تنها روزه ای است که دستور مستقیم خداوند در تورات

منابع:

۱. قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند
۲. کتاب مقدس، ترجمه هزاره نو، انتشارات ایلام، چاپ ۲۰۱۶ میلادی.
۳. مشفق پور، محمدرضا، احکام آموزشی عبادات، انتشارات: قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.
۴. آلن آترمن، باورها و آیین های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶.
۵. اشرفی، عباس، عبادات در ادیان ابراهیمی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۶. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
۷. گزایوه، لئون دوفور، فرهنگ الهیات کتاب مقدس، تهران، کانون یوحنا رسول.
۸. صادقی، ملیحه، اشرفی، عباس، مقاله امساک در غذا (روزه در ادیان گوناگون)، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، بهار ۱۳۹۶، دوره سوم، شماره ۱۹.
۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ چهارم ۱۳۸۶.

پاورقی

۱. روزه یعنی منسوب به روز، و از آنجا که این عبادت در روز انجام می گیرد به آن روزه می گویند.
۲. محمدرضا مشفق پور، احکام آموزشی (عبادات)، ص ۲۰۱
۳. سوره بقره، آیه ۱۸۳
۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۶
۵. عباس مشرفی، عبادات در ادیان، ص ۱۲۶
۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰
۷. ملیحه صادقی، عباس اشرفی، مقاله امساک در غذا (روزه در ادیان گوناگون)، ص ۲۳/۲۲
۸. اگر حاجی در حج، قدرت بر قربانی نداشته باشد و نتواند قرض کند، باید به جای آن به مدت ۱۰ روز روزه بگیرد که سه روز آن را در سفر حج و هفت روز آن را در وطنش به جا می آورد.
۸. قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند
۹. نام گذاری این سه روز در ماه به نام ایام البیض به دو دلیل است: اول اینکه در علل الشرایع گفته شده که زمانی که جبرئیل حضرت آدم را در حالی که سرتا پا سیاه شده بود، به زمین آورد، فرشتگان بر حال او گریستند و به درگاه خداوند عرضه داشتند که چگونه از روح خود در او دمیدی و او را اشرف مخلوقات کردی اما به خاطر یک گناه رنگ سفیدش را سیاه نمودی. خداوند به حضرت آدم دستور فرمود که سه روز را روزه بگیرد و در هر روز مقداری از سیاهی را از او زائل نمود و روز پانزدهم هم تمام سیاهی را به سفیدی مبدل کرد. دلیل دوم اینکه اعراب قدیم رسم داشتند که روزه های ماه را بر اساس میزان روشنایی ماه نام گذاری کنند و از آنجا که نور ماه در این سه شب بیشتر از شب های دیگر است، به نام ایام البیض نامیده شد.
۱۰. عباس مشرفی، عبادات در ادیان، ص ۱۲۷/۱۲۸
۱۱. محمدرضا مشفق پور، احکام آموزشی (عبادات)، ص ۲۰۲
۱۲. محمدرضا مشفق پور، احکام آموزشی (عبادات)، ص ۲۰۳
۱۳. عباس اشرفی، عبادات در ادیان ابراهیمی، ص ۱۱۵
۱۴. گزایوه، لئون دوفور، فرهنگ الهیات کتاب مقدس، ج ۳، ص ۱۳۷۴
۱۵. عباس اشرفی، عبادات در ادیان ابراهیمی، ص ۱۱۵
۱۶. عزرا ۸: ۲۱
۱۷. عزرا ۸: ۲۳
۱۸. اول سموئیل ۱۳: ۳۱
۱۹. دوم سموئیل ۱۲: ۱
۲۰. یوئیل ۱۲: ۲
۲۱. یوم کیپور، مهم ترین جشن مذهبی یهودیان و مقدس ترین روز در گاه شماری عبری است.
۲۲. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۵۶۷
۲۳. عباس اشرفی، عبادات در ادیان ابراهیمی، ص ۱۲۰
۲۴. پوریم یا عید قرعه ها، جشنی بسیار عامیانه و مردمی است که مربوط به کتاب استر است و یادگار نجات قوم یهود از عقاب و قتل عامی است که به فداکاری استر در ایران ختم به خیر شد. یهودیان در این روز جشن می گیرند و به یکدیگر هدیه و عیدانه میدهند.
۲۵. الن آترمن، باورها و آیین های یهودی، ترجمه رضا فرزین، ص ۲۸۶
۲۶. مقصود از مردان اول زاده، پسر بزرگتر هر خانواده می باشد.
۲۷. عباس اشرفی، عبادات در ادیان ابراهیمی، ص ۱۲۰
۲۸. دوم سموئیل ۱۶: ۱۲
۲۹. عباس اشرفی، عبادات در ادیان ابراهیمی، ص ۱۲۱
۳۰. اینترنت، ویکی پدیا

روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه گرفته می شود.

۲. روزهای آدینه ماه نو عبری (روز قبل حلول ماه قمری) رسم است که برخی از یهودیان روزه می گیرند.

۳. عروس و داماد در روز عروسی یا قبل از آن به مناسبت شروع زندگی جدید و به منظور توبه از گناهان گذشته در صورت امکان روزه می گیرند.

۴. کسی که خواب آشفته ای دیده است و آن را نشانه بدی می داند، روز بعد به خاطر کفاره گناهان و رفع مصیبت روزه می گیرد.

۵. برخی از یهودیان در سالروز درگذشت والدین خود و یا علمای بزرگ دینی روزه می گیرند.

۶. یهودیان در هنگام وقوع بلایای طبیعی مانند زمین لرزه یا وقوع خشکسالی و اتفاقات ناراحت کننده معمولاً به دستور مرجع دینی خود روزه جماعتی می گیرند.

کتاب مقدس روزه را به دو نوع روزه شخصی و روزه جمعی تقسیم می کند:
روزه شخصی: این نوع روزه معمولاً در حالت حزن و اندوه یا استغفار و توبه انجام می پذیرد. چنانچه در وصف داوود در کتاب مقدس این طور آمده است:

«داوود به خدا التماس کرد که بچه را زنده نگهدار و بدین منظور روزه گرفت، به اتاق خود رفته، تمام نیمه شب روی زمین دراز کشید».

روزه جمعی: این نوع روزه در هنگام مصیبت های جمعی و دعا و تضرع برای قوم و اعیاد و ... صورت می پذیرد. در کتاب نحیمیا، فصل نهم، بندهای یکم تا چهارم این طور گفته شده است که:
 « در روز بیست و چهارم همان ماه بنی اسرائیل جمع شدند تا روزه بگیرند و ...

همگی خداوند، خدای خود را پرستش نمودند و با صدای بلند نزد خداوند، خدای خود دعا کردند».

آداب و شرایط روزه در دین یهود

۱. در شریعت یهود، کلیه واجبات دینی از جمله روزه برای دختران از سن ۱۲ سالگی و برای پسران از سن ۱۳ سالگی آغاز می گردد.

۲. کلیه روزه ها اعم از روزه واجب یا مستحب به غیر از روزه یوم کیپور و روزه نهم آو که ۲۵ ساعته و از غروب تا غروب هستند، همگی پیش از سپیده صبح تا تاریکی کامل هوا برگزار می شوند.

۳. غیر از روزه بزرگ یوم کیپور که اهمیت ویژه ای در یهودیت دارد، در بقیه روزه ها افراد دارای شرایط خاص مانند بیماران و افراد ضعیف و زنان باردار و شیرده از روزه ها معاف هستند.

۴. در ایام عید و روزهای شنبه و روزهای اول ماه نوعبری، روزه گرفتن ممنوع می باشد.



تاملی بر

نمط العارفین

اشارات و تنبیهات شیخ الرئیس ابن سینا



سهراب سحابی

فارغ التحصیل ادیان و عرفان تطبیقی ورودی ۹۶

مقدمه

ما می توانیم به میراث گذشته خود و بزرگان و نوابغی چون ابوعلی سینا ببالیم و همچون بخش هایی از سخنان جناب حسن رحیم پور ازغدی از پیشرفت مسلمانان در مقایسه با اروپای قبل از رنسانس بگوییم و به استناد مستندات، خود را در اولین ابداعات و اختراعات و اکتشافات و... سرآمد جهان آن موقع قلمداد کنیم و عقب ماندگی اجداد غربیان کنونی را به رخشان بکشیم. آری می توان این گونه افتخار جمع کرد و در باد این میراث خوابید. اما باید این جرات و قدرت را به خود بدهیم و این میراث را به تیغ تیز نقد بسپاریم. اگر چنین جرات و جسارت و گستاخی را پذیرفتیم می توان میراث مسلمانان را باز خوانی کرد و با معیار و سنجشی قابل قبول از شخص پرستی و گذر از نام های تاریخی نهراسید و به جمع بندی و نکاتی بدیع و قابل اجرا در حال حاضر رسید و راهی نو در پیش پای نسل فعلی گشود.

این نوشتار بر مبنای آراء و آثار زنده یاد علی صفایی حایری (۱۳۳۰-۱۳۷۸ ش) قرار دارد.

گاهی اعتقاد به شخص داریم و چون امام فخر رازی قائل به متن هستیم و نه برای قبل و نه برای بعد جایی برای نقد نمیگذاریم.

«هنگامی که با عقیده خویش، با تعصب خویش، مکتبی را و شخصی را و عملی را نقد می زنیم این می رساند که ما هنوز، خود به روشی نرسیده ایم و متر ثابتی در دست نداریم. هنگامی که به آن معیارهای ثابت رسیدیم، می توانیم به نقد و ارزیابی هر کس و هر عقیده و هر عمل دست بزنیم و خانه تکانی کنیم و خود را از زیر بار خاکروبه های ذهنی آزاد سازیم و به طهارت و نزهتی برسیم که زمینه رستن و رویش (فلاح) ما باشد». اما می بینیم که خود امام فخر رازی تشکیکاتی وارد میکند. پس گویا منظور او از آن حصر به شکل باشد نه محتوا.

سؤالات اصلی

در باب نمط العارفین میتوان چند پرسش به میان کشید:

۱- علت شروع مطلب از تعریف زاهد و عابد چیست؟ ۲- چه شروع دیگری میتواند مناسب باشد؟ ۳- آیا عرفان مختص دینداران و مسلمانان است؟ ۴- رعایت گزاره های دینی از سوی عابد و زاهد که ابن سینا میگوید بر کجا و چه چیزی استوار است؟ ۵- از یقین برهانی چگونه استبصار حاصل میشود؟ کدام ایمان قلبی است که اراده را به وجود میآورد؟

به نظر قطعی میرسد که اظهار نظر در مورد کل «نمط العارفین» و محتوای آن در حد یک پایان نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری است. بنابراین، بهتر است به بخشی از ابتدای نمط بپردازیم و نکات آن را بررسی نماییم.

مسأله این است که آیا ساختار طرح موضوع به ویژه نقطه شروع شیخ الرئیس جایی برای نقد دارد؟ ابن سینا پس از اشارات کلی به عارفان و دنیای آنان و با ارجاع به رمزگشایی از داستان «سلامان و ابسال»^۲ دست به نوعی تقسیم بندی میزند: زاهد، عابد و عارف. این تقسیم بندی شامل همه کسانی میشود که به دنیایی فراتر از زندگی عادی نظر دارند.

آنگونه که ابن سینا توضیح میدهد، زاهد غیر عارف در برابر کالای دنیوی، کالای اخروی میخرد و همینطور عابد غیر عارف. میتوان چنین گفت که این دو یک رویکرد و دوروش دارند: اولی اعراض از دنیا و طبیعتش را وجهه همت خویش میگمارد و دومی به عباداتی چون نماز و روزه روی میآورد.

این نکته قابل پذیرش است که رویکرد عارف به زهد و عبادت با آنچه در مورد زاهد و عابد غیر عارف گفته شد متفاوت است. اگرچه عابد غیر عارف در حوزه دین و الزام بر مستحبات احکام متمرکز میشود و به دنبال معامله دنیا در برابر عقبی است، اما زاهد غیر عارف به محروم کردن خود از آنچه

دست نیابد کودک نامیده میشود؛ چرا که ولایت و سرپرستی او با دیگران است. او در مورد این کودکان بزرگسال (ریشدار) میگوید: «گروهی از اینها می هستند و هنوز رشد علمی آنها به استقلال نرسیده و هنوز از سطح وهم و خیال بالاتر نیامده اند و با آرزوها و گمانها پیوند خورده اند. اینها کتاب خدا را جز آرزوهایی نمی دانند. اینها فقط گمان می کنند و راهی به علم و رشد یادگیری ندارند و همین است که از این کودکان ریش دار که رشد معرفتی نداشته اند يك دسته بهره برداری می نمایند»^۵

حال نکته اساسی این است که این کودک یا انسان نابالغ چگونه به بلوغ میرسد و واجد شخصیت و حریت و تفکر میشود و نشانه های آن چیست؟ و این که آیا استدلال عقلانی یا ایمان قلبی که ابن سینا برای تحقق اراده در عارف میگوید کفایت میکند؟ بهیژه با یادآوری این نکته که حداقل در انسان امروز نه تنها اثبات خدا و تمام گزاره های دینی و پذیرش آنها هیچ اراده های برای مرحله بعد که ریاضت البته به معنای تمرین به وجود نمی آورد، بلکه انسان معاصر نسبت به دین - اگر نه تنفر و انزجار و بی حاصلی - به نوعی استغنا رسیده و مسائل خود را با دستاوردهای بشری حل میکند و دین را در این هفتاد سال عمر خود در تمام عرصه های فردی اجتماعی و حکومتی مزاحم خود میداند. این نوشتار ادامه دارد. در دنباله سخن میتوان به توضیح بیشتر درباره این نکات پرداخت و به راه حلها اشاره کرد.

۱- روش نقد، ج ۱؛ ص ۲۵

۲- داستان سلامان و ابسال سرگذشت مفصلی دارد که در حاشیه ها بر نمط نهم آمده و حدس و گمانهای بسیاری را بوجود آورده علاقمندان می توانند به آن شرح ها مراجعه کنند. نظر شخصی نگارنده این است که بهتر است به متن ابن سینا و نکاتی که ایشان به یقین مطرح کرده مراجعه و استناد کنیم تا در داستانهای تخیلی به دنبال سالک و جایگاه سلوک او بگردیم.

۳- انسان در دو فصل، ص ۳۳

۴- همان، ص ۳۴

۵- همو، تطهیر با جاری قرآن، ج ۳ ص ۱۶۰.

در حوزه دین مباح شمرده میشود روی می آورد. آیا این شیوه طرح موضوع اشاره های به همان مسیر معروف شریعت، طریقت، حقیقت ندارد؟ اگر اینچنین است، ابتدا در ادامه ثابت خواهیم کرد که نه تنها این سیر وارونه است، بلکه ما نیاز به نقطه شروع دیگری داریم که ابتدا حقیقت، سپس طریقت و بعد شریعت را به همراه بیاورد. دوم این که این مسیر شامل همه کسانی شود که علاقمند به تحول در زندگی خود هستند اعم از دیندار و خداناباور و حتی دینستیز.

این درست است که تقریباً اکثریت قاطع دینداران با دینی سنتی و احساسی زندگی میکنند و دین در سن بلوغ تقویمی، انتخاب و نیاز و خواست آنان نبوده است. اگر به شرط و نشانه های بلوغ برای شروع دینداری در ادیان توحیدی چون یهودیت و اسلام مراجعه کنیم، میبینیم که شرط سنی و بلوغ تقویمی و نشانه های نزدیک به این سن شرط بلوغ است و طبیعتاً این نحوه دینداری، دیندار سنتی را برای تحول به زهد و عبادت غیر عارفانه میکشاند. روشهایی که از دیدگاه پور سینا جایی برای تحول و دگرگونی بنیادی ندارد. به این ترتیب آنچه که میتواند مؤید نظر ابن سینا باشد و همچنین شرایط سنگینی را که برای عارفان آورده است، حتی برای عامه مردم ممکن و قابل دستیابی کند، این است که ما تعریف دقیقتری از بلوغ برای ورود به دین داشته باشیم. اینجاست که علی صفایی حایری انسان را و تربیت او را در دو ساحت قبل و بعد از بلوغ مورد بررسی قرار میدهد. از دیدگاه او بلوغ با سن تقویمی و بلوغ اندامهای جنسی شکل نمیگیرد. تحقق بلوغ به شکلگیری و تحقق سه خصوصیت شخصیت، حریت و تفکر در انسان نابالغ وابسته است. انسان بالغ انسانی است که سه ویژگی دارد. اولاً دارای شخصیت است، یعنی شخصیتی که او را در برابر هجومها مسلط کند و به دیگران اجازه ندهد که به جای او تصمیم بگیرند و با دستور و یا نصیحت و دلسوزی بر او تحمیل کنند^۳ دوم، دارای حریت است یعنی با حریت و آزادی کودک، «نمی شود» و «نمی توانمها» جای خود را به «چگونه می شود؟» و «چطور می توانم؟» می دهند و همین سؤال زمینه ای برای فکر و مقدمه ای برای

تجربهمآموزی و عبرت گیری کودک فراهم می سازد. در حالی که

کودک دروازه های ذهنش را باز گذاشته، از هجوم تلقین ها و وسوسه ها در امان است. با آن که آمادگی تجربه کردن و عبرت برداشتن و فکر کردن دارد و مشکل را می شناسد، زیر فشار مشکلات و بحرانهای متضاد، کمر خم نمی کند و از پای نمی افتد؛ زیرا کار و انتخاب او فشار مشکل را به صورت مناسب تبدیل کرده و انرژی مزاحم را رهبری نموده است.^۴ و سوم این که دارای تفکر است. در واقع، انسان بالغ با تحقق دو ویژگی «شخصیت» و «حریت» قادر به حل مسأله میشود.

در پایان چند نکته شایان ذکر است: اگرچه در آثار علی صفایی حایری از واژه «کودک» برای انسان نابالغ استفاده شده، اما هر انسانی تا به این سه ویژگی



زئوس، خداوندگار المپ



سجاد واعظ
کارشناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، ورودی ۹۷

چکیده

اساطیر و افسانه‌ها را می‌توان شناسنامه ملت‌ها دانست. یکی از مواردی ضروری در مطالعه اساطیر ملت‌ها کنار گذاشتن پیش‌زمینه‌های فکری می‌باشد. به عنوان مثال بعد از مطالعه پیرامون خدایان و اساطیر یونان یا ملل دیگر نا خودآگاه این اندیشه‌ها را با معیارهایی که در دین اسلام وجود دارد مقایسه خواهیم کرد، چنین قیاس اشتباهی که با معیار غیر مرتبط صورت پذیرفته است باعث می‌شود تا نتوانیم برداشت درستی از مفهوم مورد مطالعه بدست آوریم. در این مقاله به بررسی زئوس، یکی از خدایان یونان باستان خواهیم پرداخت. برای درک بهتر مطالب گفته شده می‌توان به کتاب افسانه خدایان نوشته زنده یاد شجاع الدین شفا و کتاب اساطیر یونان رجوع کرد که منابع اصلی این مطلب می‌باشند.

تولد

زئوس فرزند کورونوس و رئا می‌باشد. در افسانه‌های کهن یونان آمده است که کورونوس بنا بر یک پیشگویی فرزندان را به محض زاده شدن می‌بلعید. در این پیشگویی آمده بود که فرزندان جایگاه خدایی را از وی خواهند گرفت و یا اینکه با برادران بزرگتر وی که تایتان‌ها می‌باشند هم پیمان شده و به این وسیله قدرت را از وی خواهند گرفت. رئا همسر کورونوس که از ناپدید شدن فرزندان سخت اندوهگین بود تصمیم گرفت اینبار به کمک والدین کورونوس و گایا فرزندش حفظ کند از این روی زئوس را در غاری تاریک واقع در جنگل انبوه کوه اژوم به دنیا آورد. رئا برای فریب کورونوس سنگی را در قنداقی پیچید و به او داد، کورونوس ساده دل نیز گمان کرد که این سنگ همان فرزند تازه متولد شده است پس آن را بلعید.

انتقام از پدر

رئا به سختی تمام و با کمک گایا زئوس را از کورونوس مخفی نگهداشت تا آنکه زئوس بزرگ و قدرتمند گشت و طبق پیشگویی با پدر برای کسب قدرت به جنگ پرداخت. زئوس که به تنهایی توان مقابله با پدر را نداشت متیس دختر اقیانوس را به یاری طلبید. متیس قطره‌ای به کورونوس داد با خوردن آن، فرزندان ایزدی بلعیده شده و سنگی را که به جای زئوس بلعیده بود را نیز بالا آورد و مغلوب فرزند خود گشت. کورونوس از آسمان به ژرفای کیهان فرو افتاد و در منطقه‌ای زیر زمین و زیر دریای سترون به زنجیری شد.

نبرد با تایتان‌ها

تایتان‌ها از جمله موجودات اساطیری یونان باستان هستند. از جمله ویژگی این موجودات می‌توان به ابعاد غول‌آسای آن‌ها اشاره کرد که گاهی از کوه‌ها نیز بزرگتر بودند! تایتان‌ها نیز وجودی نیمه خدایی داشتند. پس از پیروزی زئوس بر کورونوس شورش تایتان‌ها آغاز شد. تایتان‌ها به جز اقیانوس به ایزدان جدید رشک می‌ورزیدند و می‌خواستند قلمرویی که از دست داده بودند را بدست بیاورند جنگ وحشتناکی



در گرفت تایتان‌ها از مقرهای خود در کوه اتریس نبردهای سنگینی را در المپ آغاز کردند جنگ ده ساله نتیجه‌ای در بر نداشت. زئوس به تارتاروس فرود آمد که کامپه‌ی غول نگهبانش بود و هکتونکایری‌ها و سیکلوپ‌ها در آنجا زندانی بودند زئوس آن‌ها را آزاد کرد و هم پیمان خویش ساخت. سیکلوپ‌ها به زئوس آذرخش و هکتون‌ها سلاح‌های شکست ناپذیر خود را به او سپردند. آنان با استفاده از سلاح‌های غول آسا پاره سنگ‌های بزرگ به تایتان‌ها یورش بردند. زئوس نیز وارد معرکه شد و بر فراز آسمان‌ها و المپ تندر و آذرخش ایجاد کرد او با دست‌های خود تیری پس از تیر دیگر پرتاب کرد در نتیجه زمین بارورسوخ و نازا گشت. جنگ‌های پهناور آتش گرفتند رودها و اقیانوس‌ها به جوش آمدند. گرادگرد تایتان‌ها را دود خفه کننده‌ای و هوا گداخته فرا گرفت. چهره‌های آنها در جرقه‌های آذرخش سوخت. تایتان‌ها علیرغم شهامتی که از خود نشان دادند شکست خورده و به بند کشیده شدند. تایتان‌ها پس از شکست در اعماق زمین مدفون شدند. در نهایت به فرمان زئوس در میان سایه‌های نفود نا پذیر و بخار آلود در انتهای جهان مدفون شدند. بعد از نبرد با تایتان‌های عظیم الجثه این بار نوبت شورش غول‌ها بود. غول‌ها به رهبری پورفیریون و آلکینوس، بی‌درنگ در المپ

خدا می‌دانستند و بدین ترتیب نسبت پادشاهی هخامنشی را مستقیماً به خدای خدایان می‌رساندند. در ادبیات یونانی از خشایار شاه و داریوش به عنوان زاده‌ی زئوس نام برده شده است.

سرنوشت و سرانجام زئوس (تأثیر افسانه‌های یونان بر باورهای دینی)

از نکات جالب توجه در افسانه‌های ملل پرداختن به دیوها، غول‌ها و پریان می‌باشد که گویی از یک باور مشترک سرچشمه می‌گیرد. به عنوان مثال در کتاب حماسی شاهنامه نیز شاهد حضور دیوها در جهان آدمیان هستیم که به طور پیوسته با یکدیگر در حال ستیز هستند. در برخی از باورهای اسلامی نیز به مواردی مانند قوم عاد و حضرت آدم علیه‌السلام اشاره شده است که قامتی غول آسا داشته‌اند. به نظر نویسندگان این دست روایات و داستان‌ها پس از ورود آثار یونانی و ترجمه آن‌ها در تمدن اسلامی صورت گرفته است. زیرا در مطلب ارائه شده می‌توان به اسطوره‌های غول پیکر یونان مانند تایتان‌ها توجه کرد که گویا مورخان مسلمان نیز تحت تأثیر متون دینی یونانیان قرار گرفته‌اند. بررسی این موضوع که افسانه‌هایی مانند تایتان‌ها و نبرد با غول‌ها تا چه اندازه می‌تواند درست باشد نیازمند تحقیق و بررسی بیشتری است اما با یک بررسی تطبیقی و تحلیلی می‌توان دریافت انسان نخستین بسیار تحت تأثیر طبیعت بوده است. او صاعقه را جنگ افزار زئوس می‌داند. انسان نخستین قدرت را در بزرگ بودن جثه جستجو می‌کند و این می‌تواند ریشه در برخورد او با حیوانات عظیم الجثه داشته باشد که توان مبارزه و شکار آنها را ندارد، ماحصل چنین اندیشه‌ای خلق موجودات و اساطیری مانند نبرد با غول‌هایی است که قامتشان تا آسمان می‌رسد و کوه‌ها را با دستانشان بر روی هم قرار می‌دهند. تصور و تجسم در طول نسل‌های مختلف به صورت باورهایی در می‌آیند که بنیانگذار آیین‌های مختلف می‌شوند. بازگویی این تصورات در میان نسل‌های مختلف و شاخ و برگ دادن به آن باعث می‌شود تا باورهایی که ریشه در یک پدیده طبیعی و ساده دارد به آیینی چند هزار ساله همراه با اساطیر و افسانه‌های جذاب و خواندنی تبدیل شود. با پیشرفت بشر بیشتر این ادیان و باورها به افسانه‌هایی برای مطالعه تبدیل شدند اما تأثیرات محسوس را نیز بر ادیان پس خود برجای می‌گذارند.

پاورقی

۱. Zeus
۲. شفا، شجاع الدین، افسانه خدایان، تهران، دنیای نو، ۱۳۸۳.
۳. لئسلین گرین، ترجمه عباس آقاجانی، راجر، اساطیر یونان، تهران، سروش، ۱۴۸۷.
۴. Cronus
۵. Rhea
۶. Titans
۷. Gaia
۸. Mount Ajum
۹. Metis
۱۰. Tartarus
۱۱. Hecatonchire
۱۲. Siklop
۱۳. Porphyrion
۱۴. Scinous
۱۵. Typhoeus
۱۶. Athénē
۱۷. Hera
۱۸. Hesiod
۱۹. Danaë
۲۰. Perseus

جنگیدند و لشگرهای جلگه فلگر را از سوی باختر اشغال کردند. در افسانه‌ها آمده است غول‌ها برای رسیدن به قله المپ که اقامتگاه خدایان بود کوه‌ها را بر روی یک دیگر قرار می‌دادند. خدایان گرداگرد زئوس حلقه زدند و در برابر مهاجمان ایستادند. به این ترتیب فرزندان گایا از زئوس، خداوندگار المپ شکست خوردند. گایا نتوانست پس از شکست فرزندانش بیکار شود؛ بر ضد زئوس قیام کرد و واپسین غول را به نام تیفوئوس که در تارتاروس زاده شده بود برضد زئوس شوراند. تیفوئوس موجودی وحشی بود که دست‌ها و پاهایش پیوسته در حال جنبش بود و از شانیه‌های صد اژدها ترسناک می‌جهید که هر یک زبان سیاهی مثل زوبین داشتند همراه با چشمانی که از آن آتش می‌بارید. بدنش پوشیده از پر بود از سر و گونه‌هایش موهای زبر روییده بود قدش از بلندترین کوه‌ها بلندتر بود خدایان با دیدن او به مصر فرار کردند تنها زئوس در برابر او ایستادگی کرد اما در میان ده‌ها هزار مار چنبر زده در دست‌ها تایفوئوس گرفتار شد. تیفوئوس دست‌ها و پاهای زئوس را برید و او را زندانی کرد زئوس بدست هرمس رهایی یافت و دوباره به جنگ او رفت. زئوس با صاعقه‌های پی در پی بر چهره ی تیفوئوس زد که به این ترتیب او را به سمت سیسیل فراری داد. تیفوئوس در آتشفشان آتنا قطعه قطعه گشت. شکست تیفوئوس اقتدار پر دوام و نهایی زئوس را تضمین کرد و از آن به بعد زئوس دشمنی نداشت بدین ترتیب در میان ایزدان المپ فرمانروایی انسان و خدایان را یافت.

عشق بازی‌های زئوس

یکی از نکات جالب توجه در ادیان باستانی به خصوص ادیان و خدایان یونان، مصر، هند و... تصور صفات انسانی برای خدایان می‌باشد که با تصورات ادیان سامی تبار متفاوت است. در ادیان ابراهیمی یا سامی تبار مانند یهود، مسیحیت و اسلام همواره خدایی واحد مورد پرستش قرار می‌گیرد که بی‌نیاز از زن فرزند و نیازهای مادی است. همانطور که گفته شد در ادیان یونان باستان صفات انسانی نیز به خدایان اطلاق می‌شد. به عنوان مثال زئوس، خدای خدایان مانند انسان‌ها عاشق می‌شود و ازدواج می‌کند. این عشق و علاقه تا آنجا پیش می‌رود که زئوس به انسان‌ها نیز علاقه مند می‌شود و حاصل آن به وجود آمدن فرزندان بود که وجودی زمینی و خدای گونه داشتند. خدای خدایان به هیچ چیز به اندازه ی زن و عشق علاقه نداشت بدین جهت خدایی او با ماجراهای عاشقانه ی بسیار آمیخته بود زئوس چند همسر داشت که به غیر از هرا همگی را عوض کرد. همسر ثابت او هرا بود که رومیان و یونون (ژونن) نامیدند. این زن شریک مقام خدایی زئوس شد پیش از هرا زئوس چندین با ازدواج کرده بود اولین زنش میتیس (عقل) بود که هزیود شاعر بزرگ یونان اطلاعات او را از مجموع خدایان و آدمیان بیشتر می‌دانست اما چندتن از خدایان دیگر که به او حسادت می‌ورزیدند به زئوس گفتند که اگر از این زن صاحب فرزندی شوی چنان عاقل خواهند بود که پدر را از تخت خدایی پایین خواهند کشید. زئوس هم ترسید و وقتی زنش بچه ای به دنیا آورد هر دو را با هم بلعید.

هیچ زیبارویی از نگاه زئوس پنهان نمی‌ماند، به عنوان مثال دانائو که انسان زیباروی بود توسط پدرش در زیر برجی به دور از چشم دیگران پنهان شده بود. اما زئوس با دیدن وی دل‌باخته او شد و درزهای برج به صورت باران طلا وارد شد. حاصل همبستر شدن زئوس و دانائو فرزندی نیمه خدایی به نام پرسئوس بود. یونانیان باستان هخامنشیان را از اعقاب پرسئوس می‌دانستند و نام پارس و پارسی را از مشتقات نام این

ترجمه بخشی از مدخل «مطالعه دین» دانشنامه بریتانیکا



علی هادی زاده نامقی
کارشناسی ادیان و عرفان تطبیقی، ورودی ۹۸



به نظر می رسد که نقد قدرتمند امانوئل کانت از الاهیات طبیعی سنتی، مبنای عقل را از دین سلب کرده و آن را زیرمجموعه ی اخلاق قرار دهد. اما نظام کانت به ایجاد تمایزات معینی بستگی داشت، مانند تمایز بین عقل ناب و عملی، که در معرض چالش بود. یکی از واکنش هایی که سعی داشت دین را در جایگاه واقع گرایانه تری قرار دهد، (یعنی نه در اصل با عقل محض و نه با عقل عملی مرتبط باشد) توسط فیلسوف و الاهدان آلمانی فردریش شلایرماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴) در کتاب درباره ی دین: سخنانی با تحقیر کنندگان فرهیخته اش صورت گرفته بود. او در این کتاب کوشید تا قلمرویی مستقل برای تجربه ی دینی ایجاد کند، که هم از علم و هم از اخلاق متمایز باشد. برای او نگرش اصلی در دین «احساس وابستگی مطلق» است. شلایرماخر با جلب توجه به جنبه عاطفی و تجربی دین، که معمولاً در بحث های فلسفی قبلی نادیده گرفته می شد، دغدغه مدرن را برای کشف جنبه ذهنی یا درونی دین به راه انداخت. با این حال، هدف اصلی شلایرماخر، تنها به این امر محدود

نمی شد بلکه تاسیس گونه ی جدیدی از الاهیات یعنی ((الاهیات آگاهی)) بود. او با این تاسیس، دکترین های الاهیات مسیحی را در درجه ی دوم اهمیت نشانده، کارکرد آن ها به بیان و روشن کردن رهایی آگاهی دینی تبدیل شد بدین سان، به طور اتفاقی این امر برای مورخین عهد جدید که از شلایرماخر متأثر بودند بسیار مهم شد تا به آگاهی دینی مسیح نفوذ کنند در اثر این امر آگاهی مسیح به نقطه ی کانونی بحث درباره ی الوهیت وی تبدیل شد

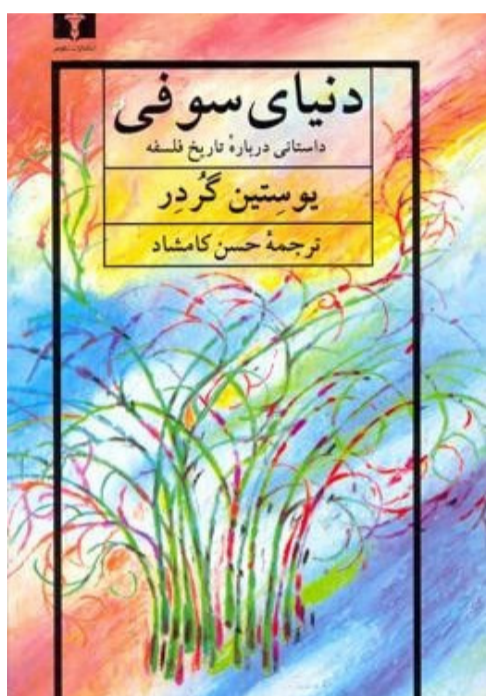
گئورگ ویلهلم فردریش هگل، همانطور که در بالا ذکر شد، تأثیر عمیقی بر توسعه مطالعات تاریخی و سایر مطالعات داشت. نظام خود او، نظام مطلق، حاوی دیدگاهی از جایگاه دین در زندگی بشر بود. بر اساس این تصور، دین به عنوان رابطه بین انسانیت و امر مطلق (واقعیت معنوی که زیر بنای جهان هستی را در بر می گیرد) به وجود می آید که در آن حقیقت به صورت نمادین بیان می شود و به طور شخصی و عاطفی به فرد منتقل می شود. از آنجایی که همین حقیقت در سطحی بالاتر - یعنی انتزاعی تر - در فلسفه شناخته شده است، دین با همه اهمیتش در نهایت از فلسفه فروتر است. رابطه بین حقیقت انتزاعی و انضمامی، اتفاقاً در رنسانس هندو در قرن نوزدهم به عنوان موازی با آموزه مطلق - آدوایتا (غیرگرایی)، بیان غالب مابعدالطبیعه هندو - که توسط هندوهای قرن هشتم برگزار شد، مطرح شد. شانکارا فیلسوف روایت هگلی از دین در چارچوب دیدگاه دیالکتیکی تاریخ شکل گرفت که بر اساس آن اضداد در یک سنتز با هم متحد شدند که به نوبه خود متضاد آن را ایجاد کرد و غیره. هگل در تفسیر تاریخ مسیحیت تأثیرگذار بود: عیسی به عنوان تز، پولس به عنوان آنتی تز، و کاتولیک اولیه به عنوان سنتز، که دومی به تز جدیدی تبدیل شد که آنتی تز جدیدی، پروتستانیسم را برانگیخت.

دنیای سوفی



فاطمه شعبان

کارشناسی ادیان و عرفان تطبیقی، ورودی ۹۹



کتاب دنیای سوفی

عنوان انگلیسی: Sophie's world

نویسنده: یوستین گارد

ترجمه: حسن کامشاد، جواد شاهدی و ...

ناشر: نظاره، نیلوفر و ...

سال نشر به فارسی: ۱۳۷۴

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۸

معرفی مختصر کتاب: داستان این کتاب درباره دختری به نام سوفی است که در آستانه پانزده سالگی و نامه‌های فلسفی جالبی از شخصی به نام آلبرتو کناکس دریافت میکند، که در آن‌ها با سوالات گوناگونی روبه‌رو میشود. پرسش‌های بنیادینی از جمله: جهان چگونه به وجود آمده است؟ هستی از چه چیزی تشکیل شده است؟ سوفی با روبه‌رو شدن با چنین سوالاتی، آموزش تاریخ فلسفه، از ابتدای پیدایش جهان تا به امروز را، آغاز می‌کند. او قدم به قدم با فلاسفه‌ی پیش از سقراط آشنا شده و سیر تاریخی فلسفه را تا فلاسفه سرشناس قرن بیستم به زبانی ساده یاد می‌گیرد.

در واقع دنیای سوفی یک رمان فلسفی اثر یوستین گارد نویسنده نروژی است، که چاپ اول آن در نروژ منتشر شد. این اثر، داستانی است که تاریخ فلسفه را به زبانی روان برای نوجوانان بیان می‌کند. نکته جالبتر این است که در این کتاب درباره گسترش ادیان در جهان نیز گفته شده و اشاره شده است که فرهنگ‌های ایران، بابل، مصر، قبل از گسترش فرهنگ یونان مذاهب گوناگونی داشتند، اما بعد از تسلط ویژه یونان بر جهان این تمایز فرهنگی به تدریج کمتر شد و تعصب مذهبی در بینش مردم جهان از بین رفت. از نظر نویسنده کتاب، ادیان یهود، مسیحیت و اسلام، ریشه‌های سامی دارند و حتی قرآن، انجیل و تورات، کتاب مقدس این ادیان، به زبان سامی نوشته شده است. در مذاهب هند و اروپایی خدایان متعدد وجود دارند؛ برخلاف سامی‌ها که به خدای واحد معتقدند. در این کتاب گفته شده که اراده الهی بر روند تاریخی قوم سامی‌ها تاثیر فراوانی داشته است.

کتاب تاکنون به ۵۹ زبان ترجمه شده است و ۴۹ میلیون نسخه در جهان به فروخته شده. در هنر سینما هم به این کتاب توجه‌ای ویژه شده است، و اثری سینمایی با همین عنوان ساخته شده است. اما در ایران، نخستین بار توسط حسن کامشاد به فارسی ترجمه شد و نشر نیلوفر منتشر کرد. چهار ترجمه دیگر از این کتاب و نسخه‌ای با خط بریل برای نابینایان و نسخه‌ای صوتی از آن نیز تاکنون منتشر شده است.

در کتاب دنیای سوفی، به یکی شدن با خدا عرفان گفته میشود، که به سادگی به دست نمی‌آید و عارف در مرحله اول باید به تزکیه نفس خود رسیدگی کند. عارف هنگامی که به مرحله‌ی نهایی عرفان برسد فاصله‌ای با خدای خود حس نمی‌کند و عرفا در تمامی ادیان (یهودیت، مسیحیت، اسلام) با خدایی واحد و یگانه سخن می‌گویند.

شخصیت شناسی کتاب دنیای سوفی:

آلبرت کناگ: پدری که برای هدیه تولد دخترش، کتابی می‌نویسد و در آن از طریق خلق شخصیت‌هایی مانند سوفی و آلبرتو، تلاش می‌کند تا فلسفه را به دخترش یاد دهد. او در لبنان برای سازمان ملل کار می‌کند ولی برای تولد دخترش می‌خواهد به خانه برگردد. شخصیتی شوخ‌طبع دارد و ماجراهای جالبی را برای شخصیت‌های کتاب خود قرار می‌دهد. هیلده مولر کناگ: هیلده دختر آلبرت است، که پدرش برای سرگرمی او شخصیت‌های خیالی سوفی و آلبرتو را خلق کرده است. هیلده احساس عجیبی دارد که سوفی بیرون از داستان، وجود حقیقی دارد و به همین خاطر از ماجراهایی که پدرش در داستان برسر سوفی می‌آورد حرص می‌خورد.

سوفی آموندنسن: دختر کنجکا و داستان، که پیش از جشن تولد پانزده سالگی خود می‌فهمد که وجود حقیقی ندارد و زاده تخیل پدر هیلده یعنی آلبرت است! سوفی با روحیه جستجوگر خود بسیار به فلسفه علاقه‌مند می‌شود و به کمک معلم خود با تاریخ فلسفه آشنا می‌شود. سوفی پس از فهمیدن حقیقی نبودنش، تصمیم می‌گیرد که از درون ذهن آلبرت خارج شود و وارد دنیای حقیقی شود.

آلبرتو کناکس: او یک معلم فلسفه است و با ارسال نامه‌های متعدد سوفی را با فلسفه آشنا می‌کند. آلبرتو تلاش می‌کند با تقویت روحیه پرسش‌گری در سوفی به او بفهماند که او وجود حقیقی ندارد و وجود او وابسته به تخیل پدر هیلده است. همچنین او سوفی را در نقشه فرار از ذهن پدر هیلده کمک می‌کند.





sanad.um.ac.ir

آرشیو بروز نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

آرشیو کامل نشریات دانشجویی • اخبار و اعلان های خانه نشریات • نحوه درخواست مجوز نشریه
نحوه دریافت حمایت مالی • اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات • نحوه ثبت آرشیو نشریه
دستورالعمل نشریات دانشگاهی • نحوه شرکت در جشنواره نشریات • اسناد و آئین نامه ها • لیست نشریات فعال